

آیا خدا ناباوری مُرده است؟



Is Atheism Dead?  
Eric Metaxas  
Salem Books (2023)

Persian translation by  
© Logos Publications 2023



# آیا خدا ناباوری مُرده است؟

اریک متاکساس

مترجمان:

اعظم خرام \_ طاهره تیرگری



لوگوس

سرشناسه: متاکاساس، اریک، ۱۹۶۳ - م.

عنوان و نام پدیدآور:

آیا خداناباوری مرده است؟/ اریک متاکاساس؛ مترجمان طاهره تیرگری، اعظم خرام.

مشخصات نشر: تهران، لوگوس، ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۴۲۳ ص. مصور.

شابک: ۲-۴۴-۷۸۲۵-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه:

موضوع:

مسیحیت -- دفاعیه‌ها؛ مسیحیت و الحاد؛

شناسهٔ افزوده: تیرگری، طاهره، ۱۳۵۷-، مترجم

شناسهٔ افزوده: خرام، اعظم، ۱۳۵۰-، مترجم

رده‌بندی کنگره: BT۱۱۰۳

رده‌بندی دیویی: ۲۳۹/۷

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۱۴۷۳۶

آیا خداناباوری مرده است؟

اریک متاکاساس - ترجمهٔ اعظم خرام و طاهره تیرگری

|                       |                   |                      |
|-----------------------|-------------------|----------------------|
| طراح جلد: نیما خنیاگر |                   | ویراستار: مقدم مهدوی |
| شمارگان:              | شابک:             | چاپ اول:             |
| ۳۰۰                   | ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۲۵-۴۴-۲ | ۱۴۰۲                 |



برای اطلاعات بیشتر کد فوق را اسکن کنید و وبسایت نشر لوگوس بروید.

قیمت: ۳۳۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی،

اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: [info@irlogos.com](mailto:info@irlogos.com)

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴ ۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: [www.irlogos.com](http://www.irlogos.com)

به خاطر دارم بیش از نیم قرن پیش، وقتی هنوز کودک بودم، افراد مسن دربارهٔ بلایای بزرگی که بر روسیه وارد آمده بود، چنین می‌گفتند: «مردم خدا را فراموش کرده‌اند. دلیل همهٔ این بلایا فراموش کردن خداست.» از آن زمان تاکنون، نزدیک به پنجاه سال را صرف تحقیق در تاریخ انقلاب خود کرده‌ام. در باب این فرایند صدها کتاب خوانده‌ام، و پای صحبت صدها نفر نشسته‌ام. خودم نیز هشت کتاب در تلاش برای پاکسازی آوارهای به‌جامانده از آن تحولات نوشته‌ام، اما اگر امروز از من بخواهند در یک جمله علت اصلی آن انقلاب ویرانگر را که حدود شصت میلیون نفر از مردم ما را بلعید، بیان کنم، جمله‌ای دقیق‌تر از این نمی‌یابم: «مردم خدا را فراموش کرده‌اند. دلیل همهٔ این بلایا فراموش کردن خداست.»

- الکساندر سولژنیتسین<sup>۱</sup>

تقدیم به دو تن از بزرگ‌ترین ذهن‌ها و عزیزترین روح‌هایی که می‌توان تصور کرد؛ دوستان عزیزم که این دنیا جای پروازشان نبود، جان رانکین و توماس هاوارد.

برادرانم مشتاقانه در انتظار دیدار دوبارهٔ شما هستم

---

۱. Aleksandr Solzhenitsyn نویسنده سرشناس اهل روسیه و برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات در سال ۱۹۷۰ بود. وی به خاطر افشای جنایات ژوزف استالین در رمان‌هایش بیست سال را در تبعید گذراند.



## فهرست مطالب

- درباره نویسنده ..... ۱
- بخش اول: آیا علم به وجود خدا دلالت می‌کند؟ ..... ۳
- مقدمه: مقاله‌ای باشکوه با موضوعی متفاوت ..... ۵
- ۱- بیگ‌بنگ آغاز ماجرا بود ..... ۱۳
- ۲- جایی که علم به آن راه ندارد: بیگ‌بنگ و سایر تکینگی‌ها ..... ۲۵
- ۳- سیارات به دقت تنظیم شده ..... ۴۱
- ۴- جهانی به دقت تنظیم شده ..... ۶۵
- ۵- باز هم تنظیم دقیق سیاره‌ای: آب و نور خورشید ..... ۷۹
- ۶- حیات چگونه پدید آمد؟ «شما نمی‌توانید از آنجا به اینجا برسید» ..... ۹۳
- ۷- پیچیدگی حیات بسیار فراتر از چیزی است که فکرش را می‌کردیم ..... ۱۰۳
- ۸- باز هم منشأ حیات: خب حالا چه؟ ..... ۱۱۹
- بخش دوم: سنگ‌ها حقیقت را فریاد خواهند زد ..... ۱۲۹
- ۹- شواهد باستان‌شناسی ..... ۱۳۱
- ۱۰- اُبلیسک سیاه چیزی شبیه به میخ طلایی ..... ۱۵۳
- ۱۱- شیطنت‌هایی که تاریخ را تغییر دادند ..... ۱۶۹
- ۱۲- باستان‌شناسی بیشتر: نسخه‌های خطی عهد جدید ..... ۱۸۹
- ۱۳- باز هم باستان‌شناسی عهد جدید ..... ۲۰۱
- ۱۴- دو کشف شگفت‌انگیز ..... ۲۰۹
- ۱۵- خانه کودکی عیسی در ناصره ..... ۲۲۱
- ۱۶- کشفی از تمدن کلدانی: تاب‌آوری شگفت‌انگیز گذشته باستان ..... ۲۳۵
- ۱۷- کشف سدوم ..... ۲۴۳
- بخش سوم: حقیقت چیست؟ ..... ۲۶۵
- ۱۸- آن چهار سوار ..... ۲۶۷
- ۱۹- آیا خداناباوری شرّ است؟ ..... ۲۸۱
- ۲۰- خداناباورانی که خدا را یافتند: سارتر، فلو و کامو ..... ۲۹۳
- ۲۱- مشکلات الحاد: پیوند جدایی‌ناپذیر علم و ایمان ..... ۳۱۳
- ۲۲- مرزهای علم: بیش از آنچه به چشم می‌آید ..... ۳۲۳
- ۲۳- وضعیت به شدت اسفناک ماتریالیسم ..... ۳۳۵

- ۲۴ - افسانه‌هایی دربارهٔ خداناباوری: گاليله، کوپرنیک و کلیسا..... ۳۴۵
- ۲۵ - علم از دین زاده شده است ..... ۳۶۱
- ۲۶ - مشکلات خداناباوری..... ۳۷۳
- ۲۷ - الحادِ لجام‌گسیخته..... ۳۸۳
- ۲۸ - دانشمندان بزرگی که انسان‌های مؤمنی بودند..... ۳۹۱
- ۲۹ - نتیجه‌گیری: مفهوم معنا..... ۴۰۲
- کتاب‌شناسی ..... ۴۱۱



## درباره نویسنده

اریک متاکساس نویسنده چهار کتاب پرفروش نیویورک تایمز از جمله کتاب بونزهوفر: کشیش، شهید، پیامبر، جاسوس<sup>۱</sup> است که به عنوان «کتاب سال» انتخاب شد و بیش از یک میلیون نسخه از آن به فروش رفته و به ۱۹ زبان ترجمه شده است. این کتاب در فهرست برجسته ترین کتاب های آمازون قرار گرفت. او مجری یک برنامه رادیویی روزانه در ۱۲۰ شهر است. متاکساس را «سفیر شوخ طبع ایمان در زندگی عادی» نامیده اند. متاکساس همراه با همکارش جان استون استریت<sup>۲</sup> مفسر یک برنامه رادیویی است که از ۱۴۰۰ شبکه رادیویی با هشت میلیون مخاطب پخش می شود. متاکساس در سال ۲۰۱۱، هفدهمین دریافت کننده مدال کانتربری بود. وی از چندین کالج دکترای افتخاری دریافت کرده است.

کتاب دیگر او با نام معجزه ها چه هستند، چرا اتفاق می افتند و چگونه می توانند زندگی شما را متحول کنند<sup>۳</sup> در رتبه دوازدهم فهرست پرفروش ترین های نیویورک تایمز قرار گرفت و به زبان های آلمانی، لهستانی، یونانی، پرتغالی، مجارستانی، رومانیایی، روسی، استونیایی، اسلواکی، کره ای، سوئدی، فنلاندی و کروات ترجمه شد. مقاله او در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۴ در وال استریت ژورنال، با عنوان «علم به طور فزاینده ای دلایلی برای اثبات

---

1. Pastor, Martyr, Prophet, Spy: Bonhoeffer

2. John Stonestreet

3. MIRACLES: What They Are, Why They Happen, and How They Can Change Your Life

۲ | آیا خدا ناباوری مرده است؟

خدا مطرح می‌کند.»<sup>۱</sup> محبوب‌ترین مقاله در تاریخ مقالات منتشر شده این مجله است. او در حال حاضر مدرس کالج کینگ در شهر نیویورک است و با خانواده‌اش در نیویورک زندگی می‌کند.

بخش اول:

آیا علم به وجود خدا دلالت می‌کند؟



## مقدمه:

### مقاله‌ای باشکوه با موضوعی متفاوت

دورانی که در آن به سر می‌بریم به طرز بی‌سابقه‌ای هیجان‌انگیز است، ولی بسیاری از ما از این موضوع بی‌اطلاع هستیم. اساساً هدف این کتاب همین است: در میان گذاشتن خبری مبنی بر این که آنچه بسیاری از مردم آرزوی آن را در سر می‌پروراندند و بعضی‌ها معتقد بودند هرگز نمی‌تواند اتفاق بیفتد، اکنون اتفاق افتاده یا در واقع دقیقاً در همین لحظه نیز در حال اتفاق افتادن است. منظورم از تمام این حرف‌ها ظهور شواهدی است که به طرز اجتناب‌ناپذیر و قانع‌کننده‌ای وجود خدا را اثبات می‌کنند.

گرچه چندین دهه است که چنین شواهدی پدیدار شده‌اند، ولی فرهنگ ما به آن چندان توجهی نداشته یا از آن صحبتی به میان نیاورده است. اخیراً ظهور چنین شواهدی افزایش یافته است ولی ما هنوز درگیر ماجرای سکولاری هستیم که در سال ۱۹۶۶ و پس از انتشار مقاله‌ای در مجله تایم<sup>۱</sup> با عنوان ننگین «آیا خدا مرده است؟» به اوج خود رسید. مقاله مذکور اوج شواهدی بود که نشان می‌داد خدا هرگز وجود نداشته و خیلی‌ها همین طرز فکر را پذیرفته و رها نکرده‌اند چون احتمالاً در تکذیب چنین طرز تفکری چیز زیادی نشنیده‌اند و عمدتاً بنا را بر این گذاشته‌اند که چنین پرسشی مختومه شده است.

مهم‌تر اینکه، رهبران فرهنگی ما که به شکل ناهنجاری سکولار هستند، کاملاً مطمئن بودند که این پرسش حل و فصل شده است. بنابراین هنگامی که هر مدرکی، خلاف این امر را نشان می‌داد، مایل بودند آن را نادیده بگیرند، زیرا به وضوح روند جداسازی دین از دنیا

را که از قبل توسط همگان پذیرفته شده بود، به چالش می کشید و همین نادیده گرفتن، بیش از هر چیزی باعث شد ما چیز زیادی در مورد این شواهد نشنویم.

گرچه همه ما این دهه ها را با این فرض که جزر و مد های مذهبی مدام از ما دور و دورتر می شوند و هرگز به ساحل باز نخواهند گشت در خواب غفلت سپری کرده ایم، ولی ظاهراً اتفاقی افتاده است، باد مسیر خود را عوض کرده و مدتی است که امواج مذهبی، آرام اما پیوسته در حال برگشت به ساحل هستند. بنابراین حس کسانی که این خبر را بد می دانند شبیه به کسانی است که روی ساحل در حال آفتاب گرفتن هستند و آرام آرام به خوابی خوش فرومی روند ولی ناگهان با دیدن امواجی که روی پتوهایشان خیز برمی دارد و کتاب های هرمان هسه<sup>۱</sup> شان را خیس می کند، از جا می پرند و متوجه می شوند که به شدت آفتاب سوخته نیز شده اند!

من خودم هفت سال پیش، زمانی که کتاب معجزات<sup>۲</sup> را نوشتم، با همین دیدگاه بیدار شدم. کتابی که در آن با استدلال پیرامون «تنظیم دقیق» درباره شواهد علمی وجود خدا صحبت کردم. بر اساس مفهوم تنظیم دقیق، چیزهای زیادی در جهان ما وجود دارند که آن قدر بی عیب و نقص تنظیم شده اند که ممکن نیست اتفاقی به وجود آمده باشند بلکه قطعاً به وجود یک طراح اشاره می کنند. در طول این سال ها، درباره این مطلب و سایر شواهد مطالعه کرده ام اما تا زمانی که نگارش کتابم را شروع نکرده بودم، هرگز از حوزه وسیع آن مطلع نبودم. از آنجا که برهان تنظیم دقیق بسیار قانع کننده به نظر می رسد آن را در بخش مهم کتاب گنجاندم. وقتی ناشر از من خواست برای تبلیغ این کتاب متنی بنویسم، به نظرم رسید که همین برهان می تواند اعجاب انگیزترین ماجرا باشد بنابراین حدود هشتصد کلمه درباره آن نوشتم و به وال استریت ژورنال<sup>۳</sup> فرستادم. ابتدا عنوان «آیا علم به وجود خدا دلالت می کند؟» را برای آن برگزیدم اما ویراستاران آن را به «علم به شکل فزاینده ای از وجود خدا دفاع می کند» تغییر دادند. ظاهراً آنها کارشان را بلد بودند چون مقاله من به سرعت مثل ویروس همه جا منتشر شد. مشاهده چنین وضعیتی واقعاً شگفت انگیز بود و من با هیجان، شاهد ماجرا بودم.

مقاله در شب کریسمس ۲۰۱۴ به شکل آنلاین و در روز کریسمس به صورت نسخه

---

1. Hermann Hesse  
2. Miracles  
3. Wall Street Journal

چاپی در دسترس همگان قرار گرفت. فقط طی چند ساعت، هزاران بار در فیس‌بوک به اشتراک گذاشته شد و صدها کامنت دریافت کرد. این روند با سرعتی باورنکردنی ادامه پیدا کرد. من و خانواده‌ام برای چند روز اسکی به ورمونت<sup>۱</sup> رفته بودیم و لینک را نیز مکرراً چک می‌کردیم. ما شاهد سطح عجیبی از علاقه‌مندی بودیم. این ماجرا، روز بعد هم ادامه پیدا کرد و نیز روزهای بعد. سه روز بعد وقتی در مهمان‌خانه<sup>۲</sup> ورمانت در حال صبحانه خوردن بودیم، مرد جوانی نزدیک آمد و پرسید: «شما اریک متاکساس هستیید؟» او کارمند بانک بود و مقاله را خوانده و از طریق آنلاین مرا شناخته بود. به نظر می‌آمد چیزی که خوانده او را هیجان زده کرده است. و البته من نیز از هیجان او به وجد آمده بودم. چه اتفاقی در حال روی دادن بود؟

خیلی زود تعداد اشتراک‌گذاری در فیس‌بوک به صد هزار رسید. این علاقه‌مندی کی می‌خواست به پایان برسد؟ اما این روند بدون این که کند شود به دویست هزار رسید و باز هم ادامه داشت. یکی از ویراستاران مجله به من گفت بیشترین اشتراک‌گذاری در فیس‌بوک تا آن زمان سیصد هزار بوده است و بنابراین اگر ما از این عدد عبور کنیم این مقاله به طور غیررسمی رکورددار خواهد شد. بله به طور غیررسمی، چون نمی‌توانستند دربارهٔ چنین چیزهایی در محافل عمومی اظهارنظر کنند. چند روز بعد، از سیصد هزار هم گذشت و چند ماه بعد، اشتراک‌گذاری به بیشتر از ششصد هزار رسید و پس از آن، مجله، عدد اشتراک‌گذاری را منتشر نکرد.

متوجه شدم آنچه شاهدش بودم دال بر چیزی بود که به تازگی به آن اعتقاد پیدا کرده بودم: مردم تشنهٔ شنیدن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های بزرگ یا لااقل چنین پرسش‌های بزرگی بودند. پرسش‌هایی از جمله: آیا خدا وجود دارد و یا اگر وجود دارد می‌توانیم با عقل و منطق به وجود او پی ببریم؟ و البته همه می‌خواستند بدانند علم دربارهٔ این پرسش‌ها چه می‌گوید. اما از آنجا که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از چنین پرسش‌هایی اجتناب می‌کند به ندرت بحث دربارهٔ چنین چیزهایی را به طور عمومی و آشکار می‌شنویم. بنابراین از پاسخ‌های خوب فاصله داریم که البته ناامیدکننده است. بنابراین وقتی مقاله من چاپ شد، جای تعجب نداشت که چنان واکنش‌هایی دریافت کنیم. مردم سرانجام برای سؤال‌اتشان پاسخ‌هایی دریافت می‌کردند که به نظر می‌رسید قبلاً هیچ‌کس در مورد آنها